

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری؛ بررسی سه احتمال محقق نائینی(ره) پیرامون اخبار من بلغ

عرض کردیم که مرحوم محقق نائینی بر حسب آن چه که در کتاب «فوائد الوصول» آمده می فرمایند: این اخبار «من بلغ» در آن سه احتمال وجود دارد. احتمال اول و دوم را در بحث گذشته عرض کردیم

احتمال سوم: بلوغ از عناوین عارضه است که ایجاد مصلحت می کند لذا با بلوغ ثواب نسبت به عملی، آن عمل مستحب می شود

در احتمال سوم می فرمایند که بگویم این اخبار «من بلغ» دلالت بر این دارد که خود عنوان «بلوغ» از عناوین طارئه است و از عناوین عارضه است و از عناوین ثانویه است. و این عنوان خودش ایجاد مصلحت می کند در عمل. و بعد از این که ایجاد مصلحت کرد در عمل، این عمل به جهت مصلحت حادثه، عنوان استحباب را پیدا می کند و می فرمایند همان طوری که سایر عناوین موجب حسن و قبح یک فعلی می شود؛ این عنوان بلوغ هم همین خصوصیت را دارد.

و عنوان بلوغ مثل عنوان ضرر، عسر، نذر و عنوان اکراه است نتیجه این می شود که «یستحب العمل عند بلوغ الثواب علیه کما یجب العمل عند نذره». همان طوری که یک عملی مباح بوده اگر شما نذر کردید این عمل را انجام بدید آن عمل می شود عمل واجب و وجوب پیدا می کند پس «یستحب العمل عند بلوغ الثواب علیه». وقتی نسبت به یک عملی به شما رسید که این عمل دارای ثواب است این بلوغ ثواب ایجاد مصلحت می کند در عمل و عمل را می کند مستحب. این هم احتمال سومی است که ایشان در اینجا مطرح فرمودند.

محقق نائینی: در میان احتمالات ثلاثة، احتمال دوم(نظریه مشهور) اقرب موارد است یعنی اخبار من بلغ دلالت بر حجیت خبر ضعیف دارد

و بعد از این که این سه احتمال را ذکر می کنند می فرمایند: احتمال دوم که مشهور قائل شدند اقرب در میان این سه احتمال است و احتمال دوم این بود که بگویم اخبار «من بلغ» دلالت بر حجیت خبر ضعیف دارد یعنی همان نظریه ای که مشهور دارند که با اخبار «من بلغ» ما ادله اعتبار شرایط حجیت خبر واحد را تخصیص بزنیم و بگویم آن شرایط معتبره در خبر واحد مربوط

به خبر الزامی است یعنی خبری که حکم وجوبی و یا حکم تحریمی داشته باشد. دیگر مرحوم نایینی دلیلی نمی آورند و وجهی را ذکر نمی کنند که چرا در میان این سه احتمال، احتمال دوم اقرب است و گویا می خواهند بفرمایند آن چیزی که ما از این روایات و اخبار «من بلغ» استظهار می کنیم، همین است که اخبار «من بلغ» ظهور در این معنا دارد.

تبیین احتمال سوم از منظر محقق نائینی: همانطوری که قیام اماره موجب حدوث مصلحت در مودای اماره می شود همانطور نیز، بلوغ ثواب نسبت به عمل، موجب حدوث مصلحت می شود.

خوب اینجا نسبت به این احتمال سوم ببینیم که آیا اصلاً این احتمال سوم درست است یا نه؟ ایشان در بعضی از تعابیر دیگر این احتمال سوم را تشبیه می کنند به مسئله امارات و می گویند همانطوری که قیام یک اماره موجب حدوث یک مصلحت در مودای یک اماره می شود و اگر یک فعلی به حسب واقع واجب نباشد حالا اگر یک خبری واحدی قائم شد بر وجوب آن فعل و خبر واحد دلالت در وجوب فعل کرد. بعضی قائل هستند به این که خود قیام خبر واحد این موجب حدوث مصلحت در این فعل می شود و این فعلی که به حسب واقع واجب نبوده با این مصلحتی که در اثر قیام اماره در او تولید شده این فعل می شود فعل واجب. و بیاییم در اینجا هم همین حرف را بزنیم بگویم بلوغ و بلوغ ثواب نسبت به یک عمل این موجب حدوث مصلحت می شود.

دو اشکال بر احتمال سوم

اشکال اول بر احتمال سوم: شارع اماره را به جهت عدم دسترسی به واقع، حجت قرار داده اما در اخبار من بلغ چنین ضرورتی وجود ندارد.

«اشکال اول»: که وجود دارد این است که در باب امارات، اماره را شارع چاره ای ندارد که به عنوان «طریق الی الواقع» قرار بدهد و در زمانی که دست انسان از واقع کوتاه است خوب چاره ای ندارد که شارع بیاید اینها را حجت قرار بدهد - حالا عنوان طریقت را بگذاریم کنار چون آن در مقابل سببیت است - در باب امارات، شارع چاره ای جز جعل حجیت برای اماره ندارد. خوب اگر مردم الآن به این امارات عمل نکنند برای عمل به تکلیف چه راه دیگری وجود دارد؟

راهی نیست در نزد مردم؛ پس چاره ای ندارد شارع بیاید این امارات را حجت قرار بدهد اما در باب اخبار «من بلغ» چه ملاکی وجود دارد که شارع بیاید فرض کنید یک عملی که به حسب الواقع استحباب ندارد «بعد بلوغ الثواب علیه» این ایجاد مصلحت کند در عمل. چه ملاکی وجود دارد؟ در امارات ما چاره ای نداریم باید به همین خبر واحد و یا سایر امارات عمل کنیم تا اجمالاً به تکالیفمان عمل کرده باشیم اما اینجا چه ملاکی وجود دارد؟ و اساساً اگر شارع این اخبار «من بلغ» را نمی فرمود مشکلی ایجاد نمی شد و این اخبار «من بلغ» نیامده دفع یک ضرورت یا دفع یک مشکل کند. «و بالجمله» خلاصه اشکال این است که فکر ایجاد مصلحت و ایجاد ملاک، در جایی است که یک ضرورتی در کار باشد. جایی که ضرورتی در کار نیست معنایی برای این فکر و مجالی برای این فکر نیست. این اولاً.

اشکال دوم بر احتمال سوم: احتمال سوم مجرد احتمال است و هیچ قرینه ای بر آن وجود ندارد.

«اشکال دوم»: و ثانیاً این احتمالی که مرحوم نایینی در اینجا دادند هیچ قرینه ای، اشعار بر این معنا هم ندارد یعنی در این روایات ما یک قرینه ای داشته باشیم این اشعاری به این احتمال سوم داشته باشد و این هم نیست فقط آن چه که ایشان فرمودند مجرد یک احتمال است.

نظر مختار: بنا بر تصریح «فوائد الاصول» مختار نایینی احتمال دوم (نظر مشهور) است که بطلانش ثابت شد البته برخی به اشتباه احتمال سوم را به نایینی نسبت داده اند؟

خوب پس مرحوم نایینی هم همین نظریه مشهور را دارند و ما هم قبلاً نظریه مشهور را مورد مناقشه فراوان قرار دادیم و دیروز هم عرض کردیم در بعضی از رساله هایی که در همین قاعده «تسامح در ادله سنن» نوشته شده همین احتمال سوم را در کلام نایینی نسبت به نایینی دادند در حالی که بر حسب تصریح کتاب «فوائد الاصول» ایشان در میان این سه احتمال، احتمال دوم را اختیار کردند. این تمام آخرین مطلبی که در اینجا باقی می ماند و ما بحثمان در معنای این اخبار من بلغ تمام می شود.

بررسی احتمال امام خمینی (ره) پیرامون اخبار من بلغ؛ وزان اخبار من بلغ، وزان بحث جعاله در فقه است

احتمالی است که امام داده اند. در «تهذیب الاصول» جلد سوم صفحه 153 از همین چاپهای جامعه مدرسین؛ ایشان در اینجا یک احتمالی را داده اند که باز مثل احتمال سوم نایینی بسیار مطلب جدیدی است و می فرمایند: وزان این اخبار «من بلغ» وزان آن مطلبی است که در بحث جعاله در فقه می آیند و در جعاله کسی ضاله ای را از دست داده ضاله ای دارد و گمشده ای دارد. این شخص می بیند اگر به زید بگوید اگر تو برای من پیدا کنی اینقدر به تو پول می دهم به عمرو بگوید اگر پیدا کنی این قدر به تو پول می دهم این هدف محقق نمی شود لذا می آید یک عنوان عامی را در نظر می گیرد که همه افراد را شامل شود می گوید «من رد ضالتی فله کذا». هر کسی ضاله مرا برگرداند این مقدار من به او مزد می دهم.

اولین تبیین نظر امام خمینی (ره) در مقام؛ همان طوری که در باب جعاله، جُعَل معلق بر رد ضاله است، در اخبار من بلغ هم جُعَل (ثواب) معلق است بر بلوغ و اتیان عمل به رجاء ثواب.

می فرماید همان طوری که در باب جعاله یک جعلی معلق بر رد ضاله است در اخبار من بلغ هم یک جعلی که همان ثواب باشد این معلق است بر «اتیان العمل بعد البلوغ بر رجاء الثواب». شارع می گوید هر کسی «من بلغه شیء من الثواب فی شیء من الخیر فعمله کان له اجر نلک». این «کان له اجر نلک» جعلی است که شارع قرار داده و معلق بر این است که اگر کسی به گوشش

رسید فلان عمل ثواب دارد و انجام داد این ثواب را شارع برای او قرار می دهد.

به عبارت دیگر: امام خمینی قول مشهور را قبول ندارد که مسئله حجیت خبر ضعیف باشد؛ قول مرحوم آخوند و مرحوم شیخ و اینها که بگویم خود عمل استحباب دارد حالا یا استحباب به عنوان اولی که مرحوم آخوند قائل بود و مرحوم محقق اصفهانی هم قائل بود و یا استحباب به عنوان ثانوی که روی عنوان احتیاط بیاییم و روی عنوان اینکه به «رجاء المطلبیة» بیایم یا روی همین احتمال سوم نایینی؛ چون احتمال سوم نایینی هم عمل مستحب می شد بالعرض. یعنی به خاطر یک عنوانی که عارض آن می شود. امام خمینی هیچ کدام یک از اینها را قبول ندارد و می فرماید در این اخبار «من بلغ» فقط شارع جعلی قرار داده و ثوابی قرار داده برای هر کسی که «بلغه ثواب فی شیء من الخیر».

دومین تبیین نظر امام خمینی(ره) در مقام؛ شارع برای تحفظ بر سنن و مستحبات، اخبار من بلغ را به عنوان ضابطه بیان فرموده تا بسیاری از مستحبات تفویض نشود

خوب حالا از ایشان سؤال می کنیم بالاخره شارع چرا این کار را انجام داده؛ می فرماید شارع برای این که تحفظ بر سنن و مستحبات کند و شارع ملاحظه فرموده که اگر یک چنین ضابطه ای را نفرماید، بسیاری از مستحبات از دست مردم فوت می شود و تفویض می شود در اینجا. لذا برای عدم تفویض مستحبات و سنن یعنی برای تحفظ سنن و مستحبات، شارع آمده چنین ضابطه ای را فرموده. و فرموده «من بلغه شیء من الثواب فی شیء من الخیر فعمله کان له اجر ذلک».

شبهه این که فرض کنید حالا این تشبیه را من عرض می کنیم برای این که فرمایش امام(ره) تقریب به ذهن بشود؛ اگر یک پدری در منزل می بیند که اولادش نسبت به خواندن قرآن کاهلی می کنند و توجه نمی کنند لذا می آید می گوید هر کسی در هر روزی این مقدار سوره قرآن بخواند من این مقدار به او پول می دهم. این برای این است که می خواهد تحفظ کند بر اصل قرآن و تحفظ کند بر اصل قرائت قرآن. اینجا هم چنین مطلبی جاری است. امام می فرماید برای تحفظ بر سنن و مستحبات شارع دیده تنها طریقی که برای تحفظ است همین طریقی است.

باز به عبارت دیگر: امام می فرماید: شارع ملاحظه کرده که اگر طریق تحصیل مستحبات همین طرق مالوفه و رایجه باشد که بگویم سند را باید بررسی کنیم روای را ببینیم چه کسی است. ببینیم آیا معارض دارد یا ندارد. چون این نکته را ولو در کلمات این آقایان نیست به نظر ما مشهور که قائل اند که این اخبار «من بلغ» خبر ضعیف را حجت می کند باید بگویند حتی بحث معارض و امثال اینها را هم باید کنار گذاشت و باید به آن عمل کرد. که حالا ممکن است این بحث در یکی از تنبیه هایی که در اخبار «من بلغ» است مطرح شود. علی ای حال امام می فرماید اگر شارع بر همین روش متعارف خودش بخواد عمل کند بسیاری از مستحبات از دست می رود. اگر در روای آن خدشه ای باشد دیگر این مستحب را آدم، موفق به انجام نمی شود بنابر این «حفظاً للسنن و المستحبات» شارع چنین جعلی را و چنین قاعده کلی را آمده بیان کرده و فرموده «من بلغه شیء من الثواب فعمله کان له اجر ذلک». این خلاصه فرمایش امام است.

حالا اگر خواستید باز بعضی از عباراتش را بخوانید می فرمایند چطور در «من رد ضالتی فله کذا جعل معلق علی رد الضالة، فهذا جعل معلق علی اتیان العمل بعد البلوغ او اسماع برجاء الثواب و انما جعل الثواب علی ذلک حثاً [یعنی تحریکاً] علی اتیان کلیة مودیات الاخبار الدالة علی السنن لعلم الشارع بان فیها کثیراً من السنن الواقعية».

شارع، خودش هم علم دارد که در میان اخبار ضعیف کثیری از سنن واقعه وجود دارد. «فلاجل التحفظ علیها جعل الثواب علی مطلق ما بلغ عنه» برای تحفظ بر مستحبات، ثواب را بر مطلق ما بلغ فیه قرار داده. بعد می فرماید «نظیر ما جاء بالحسنة فله عشر امثالها حیث جعل تضاعف الأجر للحث علی الإتیان بالحسنات» که شارع تضاعف اجر را جعل کرده و اجر مضاعف را

قرار داده برای این که مکلف را تحریک کند باتیان الحسنات و آوردن حسنات. «فلادلة الباب اطلاقاً بالنسبة الى كل ما بلغ بسند معتبر او غيره» این خلاصه فرمایش امام خمینی (ره) که مرحوم والد ما هم در اصولشان، این فرمایش امام را بر سایر انظار ترجیح دادند و پذیرفتند.

اشکالات اربعه بر فرمایش امام خمینی(ره)

به نظر ما چهار اشکال بر فرمایش امام داریم

اشکال اول: در باب جعله یک موضوع مسلم الوجودی وجود دارد اما در اخبار من بلغ فرض این است که اصلاً موضوعی نیست

«اشکال اول»: این است که در باب جعله یک موضوع مسلم الوجودی است در خود جعله. کسی ضاله ای دارد می گوید «من رد ضالتي فله كذا». اما در این اخبار «من بلغ» فرض این است که موضوعی نیست اصلاً. و شارع می گوید من ثواب را می دهم ولو چیزی نباشد. آیا مجرد اینکه شارع در این اخبار «من بلغ» جعل ثواب کرده حال بگویم آیا شد وزانش وزان ضاله؟! در جعله یک موضوع مسلمی هست بنام «رد الضالة». اما در اینجا چنین موضوعی وجود ندارد. این اولاً.

اشکال دوم: اگر بر اساس اخبار من بلغ، فعل به عنوان مستحب اتيان شود که خلاف فرض شماست! زیرا فرمودید این اخبار، فعل را مستحب نمی کند و اگر بدون عنوان استحباب اتيان شود که تحفظ بر مستحبات نشده

اشکال دومی که ما داریم این است که شما بالاخره می خواهید بفرمایید با تحفظ بر مستحبات و به غرض تحفظ بر مستحبات شارع این کار را کرده. پس این فعل را یا باید به عنوان استحباب انجام بدهد یا بدون عنوان استحباب. اگر بفرمایید با عنوان استحباب که خودتان قبلاً رد کردید. می فرمایید این اخبار «من بلغ» فعل را مستحب نمی کند اگر فعل بدون عنوان استحباب انجام بدهد تحفظ بر سنن و مستحبات نشده این فعل هم مثل سایر افعال است.

آن زمانی تحفظ انجام می شود که شما فعل را «بعنوان المستحب» انجام بدهید. در حالی که خود شما انظار آخوند و دیگران را رد کردید!!!! و می فرمایید در اینجا اخبار «من بلغ» اثبات استحباب نمی کند به عبارت دیگر: ما می خواهیم عرض کنیم شما که می فرمایید تحفظ بر سنن، باید ملتزم بشوید که این فعل مستحب است و از آن چه که خودتان فرار می کردید در همان واقع شدید شما کلام مرحوم آخوند را قبول نکردید!!! بیایید همان فرمایش آخوند را بگویید. و یا آخوند اصلاً همین را بگوید. بگوید با اخبار «من بلغ» این فعل مستحب می شود. به آخوند می گویم چرا؟ می فرماید «تحفظاً على السنن و المستحبات». یعنی شارع می خواهد مستحبات در میان جامعه رواج پیدا کند. پس این بیان شما را به نتیجه ای می رساند که خودتان این نتیجه را قبول ندارید.

اشکال سوم: اگر یک خبر ضعیفی دلالت بر وجود ثواب در فعل واجبی نماید آیا می توان گفت تحفظاً للواجب باید این عمل اتیان شود؟ در حالیکه در واجبات مساله مهمتر از مستحبات است

«اشکال سوم»: ثالثاً ما یک جواب نقضی می خواهیم بدهیم که این است ما قبلاً گفتیم این اخبار «من بلغ» ظهور در خصوص مستحبات ندارد و نسبت به واجبات هم ظاهر می شود. یعنی ثواب در واجبات هم می آید. خوب آیا می توانیم بگوییم در یک جایی که یک خبری بیاید دلالت بر وجود ثواب در یک فعل واجبی بکند البته یک خبر ضعیف. بیایید آن جا هم بگویید برای این که شارع تحفظ بر واجبات بکند ما باید این عمل را بکنید!! خوب چه فرقی کرد بلکه در باب واجبات مسئله مهم تر است یعنی تحفظ بر واجبات به مراتب اهم است از تحفظ بر مستحبات. چرا فقط در مستحبات شما این فرمایش را می فرمایید بیاید در باب واجبات هم بفرمایید. این و همه این اشکالات را بگذاریم کنار.

اشکال چهارم: اخبار من بلغ، هیچ اشعاری بر فرمایش امام ندارد

«اشکال چهارم»: این است که اصلاً بر خلاف ظاهر این روایات «من بلغ» است یعنی اخبار «من بلغ» هیچ اشعاری به این مطلبی که امام خمینی(ره) فرمودند ندارد. لذا هر چه تامل کردیم که ببینیم آیا این فرمایش امام را می شود قبول کرد یا نه دیدیم که نه این مواجهه با این اشکالات اربعه است که عرض کردیم و این فرمایش هم ناتمام است.

نظر مختار: اخبار من بلغ در مقام بیان اعطاء ثواب تفضلی و صرفاً تسامح در ثواب است

خلاصه مطلب این می شود که فردا هم مقداری توضیح خواهم داد این اخبار «من بلغ» در مقام بیان اعطاء ثواب تفضلی است که دیروز گفتیم. به نظر ما این اخبار تسامح در ثواب است. و چیزی که ثواب ندارد شارع می گوید من ثواب به آن می دهم. اگر هم به قصد به دست آوردن ثواب باشد اگر کسی فعلی را به قصد این که چون شاری روایتی گفته که این ثواب دارد انجام داد این تسامح در ثواب بشود. و اصلاً بحث این که این عمل مستحب بشود و بحث این که این خبر ضعیف را حجت قرار بدهد ندارد.

تکمله را فردا ان شاء الله عرض خواهیم کرد این تمام کلام در معنای اخبار «من بلغ» است ما نظر خودمان را مقداری تتمه دارد که عرض می کنیم.